

بررسی نقش رابطه والد- فرزند و وضعیت اقتصادی خانواده به عنوان پیش‌بین- های موفقیت و عدم موفقیت در دانش‌آموزان پسر متقاضی ورود به مدارس نمونه دولتی مقطع متوسطه دوره دوم شهرستان مسجدسلیمان

مهراشرفی* و امین کرایبی ۲

۱ کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی، گروه مشاوره و راهنمایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجدسلیمان، مسجدسلیمان، ایران.

gmail.com@Mehran.ashrafi1365

۲ مدرس مدعو، گروه مشاوره و راهنمایی، واحد مسجدسلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجدسلیمان، ایران، استادیار، گروه مشاوره و راهنمایی، واحد

اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، ایران.

gmail.com@Am.koraei

چکیده

هدف: پژوهش حاضر بررسی نقش رابطه ی والد- فرزند و وضعیت اقتصادی خانواده به عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و عدم موفقیت در دانش‌آموزان پسر متقاضی ورود به مدارس نمونه دولتی مقطع متوسطه دوره دوم شهرستان مسجدسلیمان بود. روش: جامعه‌ی آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پسر پایه دهم بودند که در آزمون سال ۱۳۹۵ متقاضی ورود به مدارس نمونه دولتی مقطع متوسطه دوره دوم شهرستان مسجدسلیمان بودند. نمونه پژوهش شامل دو گروه از دانش‌آموزان موفق (۱۰۸ نفر) و ناموفق (۱۲۰ نفر) در آزمون ورودی مدارس نمونه دولتی بود که نمونه اول به روش سرشماری و نمونه دوم به روش نمونه-گیری هدفمند انتخاب شدند. روش پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل ممیز (تشخیص) می‌باشد. پژوهش حاضر یک پژوهش همبستگی از نوع پیش‌بین بود و با هدف پیش‌بین موفقیت و عدم موفقیت و دستیابی به معادله ممیز طراحی شد. ابزار مورد استفاده شامل پرسشنامه رابطه والد- فرزند و فایل و شویل (File and Schoil, 1983) (P-CRC) و پرسشنامه وضعیت اقتصادی محقق ساخته بود. تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و روش تحلیل ممیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS(20) انجام شد.

یافته‌ها: نتایج به دست آمده فرضیه‌های پژوهش مبنی بر پیش‌بینی موفقیت و عدم موفقیت دانش‌آموزان بر اساس رابطه ی والد- فرزند را تأیید کرد اما پیش‌بینی موفقیت و عدم موفقیت بر اساس وضعیت اقتصادی خانواده تأیید نشد

واژه‌های کلیدی: رابطه ی والد- فرزند، وضعیت اقتصادی خانواده، موفقیت و عدم موفقیت دانش‌آموزان.

۱- مقدمه

توجه به امر تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه است. تعلیم و تربیت عهده‌دار ایجاد زمینه مناسب جهت انتقال فرهنگ و پرورش و توسعه استعدادها و توانایی‌های دانش‌آموزان است. لذا، بیشتر جوامع در تبیین هدف‌ها و اتخاذ روش‌های آموزشی کلیه تلاش‌های خود را به کار می‌برند و معیار سنجش این هدف‌ها میزان یادگیری دانش‌آموزان است که به‌وسیله عملکرد تحصیلی، یعنی مهم‌ترین جنبه عینی نظام تعلیم و تربیت سنجیده می‌شود. بدیهی است که رسیدن به این هدف نیاز به برنامه‌ریزی جامع و همکاری و هماهنگی کارگزاران تعلیم و تربیت، خانواده و مدرسه دارد. تأسیس مراکز آموزشی از سطح پیش‌دبستانی تا عالی، گزینش معلمان و مربیان و اساتید، فراهم کردن تجهیزات آموزشی، تهیه محتوی و شیوه‌های مختلف آموزشی و نظارت و ارزشیابی به برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح و کارآمد نیاز دارد؛ اما اینکه هدف‌های آموزشی و روش‌های حصول به آن‌ها چه هستند و چقدر با اهداف تناسب دارند سؤال مهم مطرح شده نظام آموزشی است و موفقیت آموزش، نزدیک شدن به اهداف از پیش تعیین شده است (Allameh, 2005). بنابراین یکی از اهداف مهم آموزش و پرورش پرداختن به جنبه‌های شناختی و انگیزشی فراگیران و کمک به آن‌ها جهت پیشرفت تحصیلی در دروس مختلف است. همچنین، عدم موفقیت تحصیلی یکی از نگرانی‌های مهم خانواده‌ها و مجریان تعلیم و تربیت می‌باشد. همه‌ساله تعداد زیادی از دانش‌آموزان در کشورهای مختلف جهان با عدم موفقیت تحصیلی مواجه‌اند. این پدیده علاوه بر زبان‌های هنگفت اقتصادی، آثار سوء روانی نیز بر دانش‌آموزان می‌گذارد و شدیداً موجب نگرانی خانواده‌ها می‌شوند. لذا، این موضوع به‌عنوان یکی از مشکلات مهم اجتماعی و تحصیلی نیاز به تعمق و بررسی دارد و در این راستا عوامل مختلفی در موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دخالت دارند که شناسایی مهم‌ترین این عوامل در کمک به اولیاء و مربیان و معلمان و به‌طور کلی مجریان تعلیم و تربیت در جهت برنامه‌ریزی آموزشی و پرورشی، ارزشیابی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان و در نتیجه توسعه و ترقی کشور مؤثر می‌باشد.

۱-۱ بیان مسئله

در مورد موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی مباحث زیادی مطرح شده و می‌شود. موفقیت تحصیلی به معنای توانایی در دستیابی به هدف‌های آموزشی و ارتقاء به کلاس بالاتر است و عدم موفقیت تحصیلی یعنی عدم توانایی در دستیابی به هدف‌های آموزشی و تکرار پایه تحصیلی است. اینکه چه عواملی در موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی نقش دارد یا سهم و مشارکت هر عامل چه اندازه است همواره از حیطه‌ای مورد علاقه پژوهشگران و روان‌شناسان تربیتی بوده است و مطمئناً مجموعه‌ای از عوامل فردی^۱ و محیطی^۲ و شناختی^۳ و غیر شناختی^۴ بر موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد که در هیچ پژوهشی امکان جمع‌آوری و تحلیل همه این متغیرها در کنار هم وجود ندارد. لذا متغیر موفقیت تحصیلی چندبعدی و متأثر از عوامل متعددی می‌باشد که شناسایی آن‌ها مسئله اساسی در کاهش افت تحصیلی^۵ و افزایش موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان و تربیت نسلی کارآمد و فعال است.

علاوه بر این، پیشرفت تحصیلی برای معلمان، دانش‌آموزان، والدین، نظریه‌پردازان و محققان تربیتی حائز اهمیت می‌باشد. برای مثال پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان یکی از مهم‌ترین ملاک‌های ارزیابی عملکرد معلمان و دانش‌آموزان محسوب می‌شود. افت تحصیلی نیز به‌عنوان یکی از معضلات نظام‌های آموزشی در کشورهای جهان باعث به هدر رفتن بسیاری از فرصت‌های یادگیری، منابع مالی و دغدغه‌ای برای اولیاء، مربیان و مسئولان تعلیم و تربیت می‌شود. مطالعه‌ی عوامل مؤثر بر موفقیت یا عدم موفقیت تحصیلی مسئله‌ای پیچیده و چندبعدی است و به‌گونه‌ای بسیار ظریف به رشد شناختی، اجتماعی عاطفی و

۱academic success
۲individual factors
۳environmental
۴cognitive
۵non-cognitive
۶academic failure

جسمانی فراگیر (دهشیری، ۱۳۸۵) و همچنین عوامل خانوادگی، همسالان، سیستم آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی و سطح علمی معلمان و مسئولان تعلیم و تربیت (حسام و ثناگو، ۱۳۹۱) بستگی دارد.

شاید به علت همین اهمیت باشد که نظریه‌پردازان تربیتی بسیاری از پژوهش‌های خود را بر شناخت عوامل مؤثر بر پیشرفت یا افت تحصیلی متمرکز کرده‌اند. در چرخه‌ای که در آن آموزش و پرورش به‌عنوان عامل بیرونی است و دانش‌آموزانی که هرکدام دارای ویژگی‌ها و توانایی‌های منحصر به فرد و اختصاصی هستند به‌عنوان عامل درونی مطرح می‌باشند، برای بهینه‌سازی و پیشرفت باید تمهیداتی در جهت هماهنگی این عوامل ایجاد کرد تا این چرخه فرضی در جهتی پیش‌رونده حرکت کند (سیف، ۱۳۸۰). خانواده مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد تربیتی جامعه است. استحکام خانواده و روابط آن منجر به شکل‌گیری سلامت روانی مطلوب‌تر برای ورود به جامعه بزرگ‌تر می‌شود. هرگونه معضل و مشکلی که استحکام خانواده را خدشه‌دار نماید سلامت جامعه را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. خانواده سالم، خانواده‌ای است که میان اعضای آن به‌ویژه والدین و فرزندان رابطه درست حاکم باشد بی‌تردید خانواده و چگونگی روابط میان اعضای خانواده و کیفیت ارتباط والدین با فرزندان در شکل‌گیری شخصیت و رشد اجتماعی، عاطفی و عقلانی فرزندان نقش و اهمیت فراوانی دارد (محمودی قرابی، ۱۳۹۰).

همچنین مهارت والدین در رشد مهارت‌های اجتماعی نقش حیاتی بازی کنند مهارت‌های اجتماعی نیز تحت تأثیر شیوه والدین قرار دارد، والدینی که شیوه تربیتی مستبدانه دارند، فرزندان آن‌ها در مدرسه دارای عملکرد ضعیف، عزت‌نفس پایین و مهارت‌های اجتماعی ضعیف‌تری می‌باشند (ماتان، ۲۰۰۵^۷، به نقل از کریمی، ۱۳۹۳).

از مسائل مهم دیگری که بر موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان نقش اساسی دارد وضعیت اجتماعی- اقتصادی آنان می‌باشد. به‌طور کلی، محرومیت‌های محیطی و کمبود محرک‌های ذهنی و اجتماعی از عوامل مهم عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان است. درصد قابل توجهی از دانش‌آموزانی که دچار عدم موفقیت تحصیلی می‌شوند، بعضاً ناگزیر به تحصیل در مدارس استثنایی می‌شوند و از «عقب‌ماندگان فرهنگی» به شمار می‌روند و دانش‌آموزانی که متعلق به خانواده‌هایی هستند که از تبار اقتصادی و اجتماعی پایین‌اند، توأمأ با فقر اقتصادی و فرهنگی مواجه‌اند و از موفقیت تحصیلی پایینی برخوردارند (بیابان‌گرد، ۱۳۸۰). با توجه به اهمیت آنچه گفته شد مسئله اساسی در پژوهش حاضر بررسی این نکته می‌باشد که آیا رابطه والد-فرزندی^۱ و وضعیت اقتصادی^۲ پیش‌بینی کننده موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پسر متقاضی ورود به مدارس دولتی مقطع متوسطه دوره دوم شهرستان مسجدسلیمان می‌باشند تا مشخص شود که کدام متغیرها نقش تعیین‌کننده‌تری در این پیش‌بینی دارند.

۲ مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

۲-۱ پدر و مادر شدن

پدر و مادر شدن از مهم‌ترین وظایف انسان است، وظیفه‌ای که قابل‌مقایسه با هیچ‌یک از مسئولیت‌های دیگر نیست. برای مثال انسان می‌تواند از دوستان خود روی برگرداند، از شغل خود استعفا بدهد، هدف یا حتی ازدواج خود را به هم بزند، ولی فرزند خود را نمی‌تواند. پدر و مادر شدن فرایندی است که به همه وسعتش گاه به‌یک‌باره از راه می‌رسد درحالی‌که افراد برای آن کوچک‌ترین آموزشی ندیده‌اند.

سیفرت^۱، هافن^۲ و هافن^۳ (۱۹۹۷) بیان می‌کنند که معمولاً افراد برای پدر یا مادر شدن خود دلایل متعددی دارند، برخی کودکان را دوست دارند و مایلند فرزند داشته باشند تا به او محبت ورزند و او را مورد مراقبت خود قرار دهند، برخی از زنان می‌خواهند بارداری را تجربه کنند، در نزد برخی پدر و مادر شدن امری دویعدی است. اگر خودشان دارای خانواده‌ای خوشبخت

Mathan
8cultural laggings
Parent- child relation
10conomic status
1 Seifert
1 Hoffnung, R
1 Hoffnung, M

بوده‌اند می‌خواهند تا چنین خانواده -ای را برای فرزند خود نیز فراهم آورند و اگر خوشبخت نبوده‌اند سعی می‌کنند فرزندان‌شان داشته باشند تا آن‌ها را خوشبخت کنند. در برخی از جوامع فرهنگ، مذهب یا سنت‌ها مردم را به داشتن فرزند تشویق می‌کنند (به نقل از شریفی اردانی، ۱۳۹۱).

سلامت جسمانی و روانی مادر در ایجاد فضایی مطلوب در خانواده به‌عنوان نخستین پایگاه آموزش و پرورش، از بنیادی‌ترین عوامل شکل‌گیری شخصیت کودک است (نوابی نژاد، ۱۳۷۳). نتایج پژوهش‌های بلسکی^۴ و پلاس^۵ (۲۰۱۱، ۲۰۱۰، ۲۰۰۹) مبین آن است که کیفیت مراقبت، حساس بودن و تعامل مثبت با مادر در دوران کودکی با مشکلات رفتاری در نوجوانی مرتبط است. مادر و کودک مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که هرگونه ارزیابی و تلاش در قلمرو درمانگری، باید آن را در نظر بگیرد (دادستان، ۱۳۸۵). کودک وقتی می‌بیند که این مادر است که بیش از همه او را پرستاری و مواظبت می‌کند به او صادقانه عشق می‌ورزد، میان آنان یک رابطه محبت‌آمیز و استوار برقرار می‌شود اما اگر مادر خونسرد، بی‌فید یا بی‌محبت باشد ممکن است کودک را به واکنش‌های شدید وادارد و او را موجودی خودخواه، نادان، سنگدل و غیرقابل‌اعتماد به شمار آورد (پارسا، ۱۳۷۵). درزمینه رابطه والد-کودک در طی دهه‌های گذشته، بیشتر بر نقش مادر در پرورش فرزندان تأکید شده درحالی‌که اخیراً اهمیت نقش پدر نیز شناخته‌شده و در پژوهش‌های متعدد بر اهمیت حضور پدر در خانواده و نقش وی در سلامت روانی کودکان تأکید شده است (کمیل،^۶ نامشخص، ترجمه صیادللو، ۱۳۸۷). پدر نقش مهمی در خانواده داشته و حضور وی در رشد روانی-اجتماعی کودکان بسیار مؤثر است پدرانی که ارتباط مثبت و مؤثری با کودکان‌شان داشته، زمان بیشتری را با آن‌ها می‌گذارند و ارتباط گرم و نزدیکی با آن‌ها دارند، دارای فرزندان با مشکلات رفتاری کمتر، سازگاری روانی بیشتر و پیشرفت تحصیلی بالاتری هستند (روهنر، ۲۰۰۷؛ جولی و آندر، ۲۰۱۱؛ روهنر و خالقی، ۲۰۱۰).

استافورد و به‌یر^۷ (۱۹۹۱، ترجمه دهگانپور و خرازچی، ۱۳۷۷) معتقدند که مراقبت توأم باعاطفه پدرها از کودک مانند مادرها موجب دل‌بستگی ایمن می‌شود و هر چه پدرها وقت بیشتری با بچه‌ها سپری کنند، این تأثیر نیرومندتر می‌شود. مادران وقت بیشتری صرف مراقبت جسمانی و ابراز محبت می‌کنند، پدرها زمان بیشتری را صرف بازی با بچه‌ها می‌کنند، علاوه بر این پدرها و مادرها به شیوه‌های متفاوتی با بچه‌ها بازی می‌کنند، مادرها بیشتر از اسباب‌بازی استفاده می‌کنند در مقابل، پدرها به‌ویژه با پسرها به بازی‌های هیجان‌انگیزتر و پرجنب‌وجوش، می‌پردازند. به‌طورکلی مادران نسبت به پدران زمان بیشتری را در تعامل با کودکان خود می‌گذارند، در حقیقت تفاوت‌های موجود در بین میزان گفتگوی پدر-کودک و مادر-کودک آن‌قدر زیاد است که حجم وسیع تحقیقات صورت گرفته تأثیر پدران بر رشد اولیه زبان کودک را ناچیز فرض کرده‌اند. مشغولیت اندک پدران با کودک در نهایت این مسئله را مطرح ساخت که پدران هنگام تنهایی در مقایسه با مادران تعامل متمرکز کمتری دارند برای مثال، پدران در این‌گونه مواقع به تماشای تلویزیون می‌پردازند و یا به‌آرامی مشغول مطالعه می‌شود (به نقل از شریفی اردانی، ۱۳۹۱).

۲-۲ وضعیت اقتصادی

به‌طورکلی، محرومیت‌های محیطی و کمبود محرک‌های رشد ذهنی و اجتماعی از عوامل مهم در عدم موفقیت تحصیلی کودکان و نوجوانان است. درصد قابل‌توجهی از دانش‌آموزانی که به‌طورجدی دچار عدم موفقیت تحصیلی شده، بعضاً ناگزیر در مدارس استثنایی مشغول به تحصیل می‌شوند و از عقب‌ماندگان فرهنگی به شمار می‌آیند. دانش‌آموزان متعلق به خانواده‌های طبقه پایین اجتماعی و اقتصادی از انگیزه تحصیلی پایینی برخوردارند. از سوی دیگر، شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه و چگونه اجتماعی شدن افراد بر پیشرفت تحصیلی آن‌ها مؤثر است و چون شیوه اجتماعی شدن در طبقه متوسط با طبقه فقیر متفاوت است، چگونگی اجتماعی شدن طبقه پایین، زمینه‌ساز افت تحصیلی فرزندان آن‌ها خواهد شد. کودکان طبقات بالا و متوسط در مقایسه با کودکان طبقه پایین در خانواده‌های خود آموزش می‌بینند تا موضوع‌ها و موقعیت‌های مرتبط

با مدرسه مثلاً، انجام آزمون‌های هوشی، دادن امتحان، از بر خواندن در کلاس و... به‌طور مثبتی پاسخ دهند و با این اندیشه بزرگ می‌شوند که اگر قرار است در زندگی موفق شوند باید در مدرسه خوب کار کنند (بیابان‌گرد، ۱۳۸۰). همچنین، احمدی (۱۳۷۰؛ به نقل از بیابان‌گرد، ۱۳۸۰) در پژوهشی درباره علل افت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی نجف‌آباد دریافت که دانش‌آموزان دارای افت تحصیلی برنامه‌ریزی درستی جهت گذراندن اوقات فراغت خود ندارند و اغلب دوستانی بی‌تفاوت نسبت به تحصیل و ترک تحصیل کرده دارند.

در نظریه نابسامانی‌های اجتماعی چنین فرض می‌شود، محله‌هایی که با فقر، سطح اجتماعی- اقتصادی پایین، تراکم زیاد جمعیت و میزان جرم مشخص هستند، زمینه‌ای ایجاد می‌کنند که در آن ناکامی، ترک تحصیل زودرس، بزهکاری، اعتیاد، ازهم‌پاشیدگی خانوادگی و سایر مشکلات رفتاری رشد پیدا کند. توانمندی و فقدان تقدم اجتماعی و منابع آموزشی و اقتصادی، حق انتخاب در بیشتر زمینه‌های زندگی مانند شغل و محل سکونت را برای فقرا محدود می‌کند و این افراد با سایر گروه‌های اجتماعی تماس زیادی ندارند. آن‌ها در مقابل مصیبت‌هایی چون از دست دادن کار، فشار مالی و بیماری، به‌طور غم‌انگیزی آسیب‌پذیرند. احتمال بیشتری می‌رود که در خانواده‌های بی‌بضاعت، والدین با یک سلسله از وقایعی که پرورش کودک را مشکل می‌سازد و نتایج زیانباری به بار می‌آورد، مواجه شوند. بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ملاک‌های الف- میزان درآمد؛^۱ ب- سطح تحصیلات؛^۲ ج- نوع شغل؛^۳ د- شاخص اصلی و بنیادی قشریندی اجتماعی ذکر کرده‌اند که در ذیل به‌طور مختصر شرح داده می‌شوند (سپهوندی، ۱۳۸۴).

۲-۳ پیشینه پژوهش

کاتر و گوما^۱ (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای بر روی ۱۱۴ دانش‌آموز دختر و پسر سنین بین ۶ تا ۱۴ ساله مصری که ۸۶ نفر به‌عنوان گروه آزمایشی ناموفق و ۲۶ نفر به‌عنوان گروه کنترل موفق بودند، نشان دادند که وضعیت اجتماعی- اقتصادی در مقایسه باهوش، تأثیر بیشتری در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارد. اینگویلر^۲ (۲۰۰۵) نیز طی پژوهشی که بر روی ۲۱۰۰۰ دانش‌آموز پایه هشتم انگلستان در سطح ملی انجام داد، از طریق نمره‌های یک آزمون استاندارد، مشخص کرد که وضعیت اجتماعی - اقتصادی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری دارد. تلما^۳ (۱۹۹۸) در پژوهشی فرا تحلیلی بر روی دانش‌آموزان سیاه‌پوست در آمریکا ۴۸ متغیر مرتبط با موفقیت تحصیلی شناسایی نمود که در این میان، متغیرهای خودپنداره تحصیلی، هوش هیجانی، هوش، وضعیت اجتماعی - اقتصادی عوامل مؤثر در موفقیت تحصیلی بودند و سیاه‌پوستان به علت داشتن وضعیت اجتماعی - اقتصادی پایین دارای عدم موفقیت تحصیلی بودند. در پژوهش دیگری که توسط گولمن (به نقل از شولتز، شولتز، ۱۹۹۸، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۵) بر روی سیاه‌پوستان نوجوان دختر و پسر طبقه پایین اقتصادی آمریکا انجام گرفت، نشان داده شد که سیاه‌پوستان در مقایسه با سفیدپوستان دارای نمره‌های بالاتری در منبع کنترل بیرونی‌اند و وضعیت اجتماعی، اقتصادی روی فرصت‌های تحصیلی تأثیر گذاشته و می‌تواند پیش‌بینی کننده قوی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان باشد. نتایج پژوهش پاین و بیدل^۴ (۱۹۹۸؛ به نقل از کالداس^۵، ۲۰۰۲) در لوئیزیانای آمریکا نشان داده است که وضعیت اجتماعی- اقتصادی ۴۵/۵٪ واریانس پیشرفت تحصیلی را پیش‌بینی می‌کند و خانواده‌های فقیر با دو فرزند، بیشتر از خانواده‌های فقیر با یک فرزند روی پیشرفت تحصیلی اثر منفی تری دارند.

۱Katherine & Goma
۲Ingrid
۳Theresa
۴Helma
۵John & Biedel
۶Saldas
۷Louisiana

چن، لی و استونسون^{۲۷}(۱۹۹۶) و اسمیت، هوی و سویتلند^{۲۸}(۲۰۰۱) نیز در پژوهش‌های خود نشان دادند که وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده رابطه مثبتی با موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دارد. همچنین، هرستین و موری^{۲۹}(۱۹۹۶)؛ به نقل از تلمنا^{۳۰}(۱۹۹۸) طی پژوهشی نشان دادند که وضعیت اجتماعی-اقتصادی با موفقیت تحصیلی مرتبط است. طاهری (۱۳۹۰) در یک تحقیق به بررسی رابطه بین سازگاری زناشویی والدین و والد رابطه - فرزندی با عزت‌نفس و مهارت‌های اجتماعی نوجوانان دختر و پسر سال اول و دوم دبیرستان منطقه هشت تهران با والدین آن‌ها پرداخته که نتایج پژوهش بیانگر آن است که هرچه سازگاری زناشویی والدین بالاتر باشد کیفیت رابطه والد - فرزندی در نوجوانان بالاتر است و به این دلیل که سازگاری زناشویی با رابطه والد- فرزندی ارتباط مثبت معنی‌دار دارد و همچنین روی هم تأثیر متقابل می‌گذارند والد، با بالا رفتن سازگاری زناشویی کیفیت رابطه - فرزندی بالا می‌رود و به دنبال این عزت‌نفس و مهارت‌های اجتماعی در نوجوانان افزایش می‌یابد.

رشیدی (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی متغیرهای شناختی و غیر شناختی به‌عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پسر سال اول دبیرستان‌های شهرستان رامهرمز پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پسر را می‌توان از روی متغیرهای هوش، هوش هیجانی، خودپنداره تحصیلی، جایگاه مهار و وضعیت اقتصادی پیش‌بینی نمود. همچنین، خدري (۱۳۸۰) طی پژوهشی رابطه‌ی هوش، عزت‌نفس، وضعیت اجتماعی - اقتصادی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر مدارس راهنمایی شهرستان اهواز را بررسی نمود و نشان داد که بین هوش، وضعیت اجتماعی-اقتصادی و عملکرد تحصیلی در سطح $p < 0/05$ همبستگی ساده و چندگانه وجود دارد.

پژوهش دیگری که توسط بخشی سورشجانی (۱۳۷۹)، به نقل از رشیدی، (۱۳۸۷) بر روی ۲۵۸ دانش‌آموز دختر مرکز پیش‌دانشگاهی شهر اهواز صورت گرفت، معلوم نمود که وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایین باعث کاهش عملکرد تحصیلی می‌شود. مجیدی (۱۳۷۶) پژوهشی را به‌منظور بررسی برخی از ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی خانواده با موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی شهرستان میانه انجام داد و به این نتیجه رسید که بین سواد، درآمد والدین، تعداد اعضای خانواده و موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد. الهام‌پور (۱۳۷۶) نیز در پژوهشی با عنوان «مقایسه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم متوسطه نظام جدید یا پایه سوم راهنمایی آنان» نشان داد که بین وضعیت اجتماعی-اقتصادی با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین، پژوهش کجیاف‌نژاد (۱۳۷۵) در خصوص بررسی رویدادهای فشارزای زندگی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر دبیرستانی شهرستان اهواز، مشخص کرد که عوامل فشارزای زندگی مانند وضعیت مالی و اجتماعی و روانی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان اثر می‌گذارد.

۲-۴ اهداف پژوهش

هدف کلی پژوهش حاضر پیش‌بینی موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پسر متقاضی ورود به مدارس نمونه دولتی مقطع متوسطه دوره دوم از روی متغیرهای رابطه والد-فرزندی و وضعیت اقتصادی خانواده می‌باشد.

اهداف جزئی این پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱) بررسی رابطه والد-فرزندی به‌عنوان پیش‌بین موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پسر متقاضی ورود به مدارس نمونه دولتی مقطع متوسطه دوره دوم شهرستان مسجدسلیمان
- ۲) بررسی وضعیت اقتصادی خانواده به‌عنوان پیش‌بین موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پسر متقاضی ورود به مدارس نمونه دولتی مقطع متوسطه دوره دوم شهرستان مسجدسلیمان
- ۳) بررسی ترکیب خطی رابطه والد-فرزندی و وضعیت اقتصادی خانواده به‌عنوان پیش‌بین موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پسر متقاضی ورود به مدارس نمونه دولتی مقطع متوسطه دوره دوم شهرستان مسجدسلیمان

۵-۲ سؤالات پژوهش

سؤال کلی پژوهش حاضر این است که آیا متغیرهای رابطه-والدفرزندی و وضعیت اقتصادی خانواده، پیش‌بینی کننده‌های موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پسر متقاضی ورود به مدارس نمونه دولتی مقطع متوسطه دوره دوم شهرستان مسجدسلیمان می‌باشند؟

سؤالات جزئی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱- آیا رابطه والد-فرزندی پیش‌بین موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پسر متقاضی ورود به مدارس نمونه دولتی مقطع متوسطه دوره دوم شهرستان مسجدسلیمان است؟

۲- آیا وضعیت اقتصادی خانواده پیش‌بین موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پسر متقاضی ورود به مدارس نمونه دولتی مقطع متوسطه دوره دوم شهرستان مسجدسلیمان است؟

۳- آیا ترکیب خطی رابطه والد-فرزندی و وضعیت اقتصادی خانواده، موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پسر متقاضی ورود به مدارس نمونه دولتی مقطع متوسطه دوره دوم شهرستان مسجدسلیمان را پیش‌بینی می‌کنند؟

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع تحلیل ممیز (تشخیص) است. هنگامی که بخواهیم از روی مجموعه‌ای از متغیرها (که متغیرهای مستقل یا پیش‌بین نامیده می‌شوند) عضویت در گروه‌های جداگانه (که متغیر وابسته نامیده می‌شود) را پیش‌بینی کنیم این روش بسیار مفید است. تحلیل کارکرد ممیز متغیرهای مستقل را بررسی می‌کند و معادله‌ای می‌سازد که به هر پیش‌بین وزن می‌دهد تا احتمال درست بودن طبقه‌بندی افراد در گروه‌های مختلف، متغیر مستقل را بیشینه کند.

پژوهش توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن‌ها توصیف شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی می‌باشد. اجرای پژوهش توصیفی می‌تواند صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری دادن به فرآیند تصمیم‌گیری باشد (Sarmad, 2004). پژوهش حاضر یک پژوهش همبستگی از نوع پیش‌بین است و با هدف پیش‌بین موفقیت و عدم موفقیت و دستیابی به معادله ممیز طراحی شده است. این طرح زمانی مفید است که متغیر ملاک به صورت طبقه‌ای و منعکس کننده گروه‌های مجزا یا گسسته باشد. در واقع به منظور پاسخ به این سؤال پژوهش «آیا رابطه ی والد-فرزندی و وضعیت اقتصادی خانواده موفقیت و عدم موفقیت را پیش‌بینی می‌کنند؟» از طرح همبستگی با روش تحلیل ممیز استفاده شد.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان پسر پایه دهم بودند که در آزمون سال ۱۳۹۵ متقاضی ورود به مدارس نمونه دولتی مقطع متوسطه دوره دوم شهرستان مسجدسلیمان در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بودند. پژوهش حاضر شامل دو نمونه می‌باشد. نمونه اول شامل افراد موفق است (۱۰۸ نفر) که پژوهشگر این افراد را با مراجعه به آموزشگاه محل تحصیل مورد پژوهش قرار داد. برای انتخاب این افراد از روش سرشماری استفاده شد. بدین صورت که پژوهشگر همه‌ی ۱۰۸ نفر دانش‌آموز پایه دهم مدرسه نمونه دولتی را انتخاب و پس از هماهنگی با مسئولین مدرسه، در زمان فعالیت مدرسه حضور یافته و پرسشنامه‌های اصلی را در اختیار آنان قرار داد که بدین طریق ۱۰۸ دانش‌آموز به‌عنوان دانش‌آموزان موفق انتخاب شدند. برای انتخاب نمونه‌ی ناموفق از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. منظور از دانش‌آموزان ناموفق، آنانی هستند که در آزمون ورودی مدارس نمونه دولتی پذیرفته نشده‌اند و هم‌اکنون در سایر مدارس مشغول به تحصیل هستند. برای انتخاب نمونه دانش‌آموزان ناموفق با استفاده از روش نمونه‌گیری اتفاقی تعداد ۱۲۰ دانش‌آموز ناموفق انتخاب گردید.

ابزار سنجش

۱- پرسشنامه رابطه والد - فرزندی

در این پژوهش رابطه والد-فرزندی نمره‌ای است که هر فرد در بررسی رابطه والد-فرزندی P-CRC (File and Schoil, 1983) کسب می‌کند. این پرسشنامه یک وسیله خود ارزشیابی است که شامل ۲۴ جمله می‌باشد که از آزمودنی

1 discriminant analysis
2 statistic

می‌خواهد به ۲۴ جمله هم درباره پدر و هم درباره مادر پاسخ دهد. در این پرسشنامه پاسخ صحیح و غلط وجود ندارد و پاسخ-دهندگان به این پرسشنامه پاسخ‌های خود در روی یک مقیاس لیکرت از هیچ (۱) تا همیشه (۷) ثبت می‌کنند. مقیاس رابطه والد فرزندی با ضریب آلفای ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس‌های مربوط به پدر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ و ضرایب آلفای ۰/۶۱ تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس‌های مربوط به مادر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ همانی درونی عالی دارد. این ضرایب آن‌ها را سازندگان مقیاس با اجرای پرسشنامه بر ۲۴۱ دانشجو به دست آوردند.

در پژوهش حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه رابطه والد - فرزندی از ضرایب آلفای کرونباخ استفاده شد که برای رابطه با مادر ۰/۸۶ و برای رابطه با پدر ۰/۸۲ و در مجموع ۰/۹۱ به دست آمد.

۲- پرسشنامه وضعیت اقتصادی محقق ساخته

برای سنجش وضعیت اقتصادی دانش‌آموزان از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. این پرسشنامه دارای یک ماده درباره‌ی وضعیت اقتصادی دانش‌آموزان است که در یک طیف لیکرت به صورت خیلی ضعیف (۱) تا خیلی خوب (۱۰) درجه‌بندی شده است.

یافته‌ها

اطلاعات مربوط به این قسمت در جدول ۱ ارائه شده است. جدول ۱ اطلاعات مربوط به میانگین و انحراف معیار متغیرهای پیش‌بین را برای دانش‌آموزان موفق و ناموفق نشان می‌دهد.

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار نمره‌های دو گروه دانش‌آموزان موفق و ناموفق در متغیرهای پیش‌بین

گروه ناموفق		گروه موفق		متغیرهای پیش بین
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۱۸/۰۹	۱۰۱/۱۳	۲۲/۸۱	۱۱۶/۹۱	رابطه با پدر
۱۵/۸۹	۱۰۴/۵۴	۱۹/۳۶	۱۲۴/۷۷	رابطه با مادر
۲/۲۸	۴/۷۸	۲/۱۱	۵/۲۸	وضعیت اقتصادی خانواده

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار گروه موفق و ناموفق را در متغیرهای پیش‌بین نشان می‌دهد. چنان‌که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، میانگین افراد موفق بیشتر از افراد ناموفق است.

همان‌طور که در جدول ۱ مشخص است میانگین نمره‌های افراد موفق در رابطه با پدر ۱۱۶/۹۱، در رابطه با مادر ۱۲۴/۷۷ و در وضعیت اقتصادی خانواده ۵/۲۸ می‌باشد. از سوی دیگر، میانگین نمره‌های افراد ناموفق در رابطه با پدر ۱۰۱/۱۳، در رابطه با مادر ۱۰۴/۵۴ و در وضعیت اقتصادی خانواده ۴/۷۸ می‌باشد.

جدول ۲ آزمون‌های برابری میانگین‌های گروه‌ها (گروه موفق و ناموفق)

متغیرهای پیش بین	لامبدای ویلکز	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	معنی داری
رابطه با پدر	۰/۸۷	۳۳/۷۶	۱	۲۲۶	۰/۰۰۱
رابطه با مادر	۰/۷۵	۷۴/۸۶	۱	۲۲۶	۰/۰۰۱
وضعیت اقتصادی خانواده	۰/۹۸	۲/۹۴	۱	۲۲۶	۰/۰۸

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود لامبدای کوچک، F بزرگ و سطح معنی‌داری آن نشان می‌دهند که گروه موفق و ناموفق در همه متغیرهای پیش‌بین به‌جز وضعیت اقتصادی خانواده از هم متمایز شده‌اند. با ملاحظه مندرجات جدول ۲ پی می‌بریم که رابطه با پدر و رابطه با مادر در سطح $p < 0/0001$ معنی دارند اما وضعیت اقتصادی خانواده تایید نشد.

جدول ۳ خلاصه اطلاعات مربوط به تابع ممیز متغیرهای پیش‌بین به‌صورت تفکیکی

معنی‌داری	پیش‌بینی عضویت گروهی	عدد ثابت	ضریب غیر استاندارد	معنی‌داری تابع ممیز	درجه آزادی	مجذور کای	لامبدای ویلکز	همبستگی متعارف	درصد واریانس	مقدار ویژه	تعداد تابع	متغیرهای پیش‌بین
۰/۰۰۱	۰/۶۶/۷	-۵/۳۰	۰/۰۴	۰/۰۰۱	۱	۳۱/۳۹	۰/۸۷	۰/۳۶	۱۰۰	۰/۱۴	۱	رابطه با پدر
۰/۰۰۱	۰/۶۹/۷	-۶/۴۷	۰/۰۵	۰/۰۰۱	۱	۶۴/۵۲	۰/۷۵	۰/۴۹	۱۰۰	۰/۳۳	۱	رابطه با مادر
۰/۰۸۸	۰/۵۹/۶	-۲/۲۷	۰/۴۵	۰/۰۸۸	۱	۲/۹۲	۰/۹۸	۰/۱۱	۱۰۰	۰/۰۱	۱	وضعیت اقتصادی خانواده

شایان ذکر است که در پژوهش حاضر برای آزمون فرضیه‌های مذکور از دو روش استفاده شده است یکی آزمون برابری میانگین‌ها (جدول ۲) و دیگری تابع ممیز برای متغیرهای پیش‌بین به تفکیک (جدول ۳). با نگاهی به مندرجات جدول ۳ مشخص می‌شود که با توجه به لامبدای کوچک‌تر از ۱ و سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۵ تمام تابع‌های ممیز معنی‌دار هستند و این توابع جداگانه برای هر متغیر از قدرت تشخیصی خوبی برای تبیین متغیر وابسته یعنی عضویت گروهی (در دو سطح موفق و ناموفق) برخوردار هستند. لازم به توضیح است که رابطه دقیقی میان ارزش ویژه تابع، آماره مجذور کای، لامبدای ویلکز (Wilkes) و همبستگی متعارف وجود دارد. به بیان دیگر، روابط میان ارزش ویژه تابع، آماره مجذور کای و همبستگی متعارف مثبت و روابط میان شاخص‌های مذکور با لامبدای ویلکز (Wilkes) منفی می‌باشند. بدین لحاظ با توجه به هر کدام از این شاخص‌ها، می‌توان نیرومندی تابع ممیز را در تشخیص عضویت گروهی ارزیابی کرد. برای نمونه، هر کدام از متغیرهایی که لامبدای ویلکز (Wilkes) مرتبط با آن کوچک‌تر باشد آن متغیر قدرت تشخیص عضویت گروهی بهتری دارد. همچنین، هر کدام از متغیرها که ارزش ویژه تابع، آماره مجذور کای یا همبستگی متعارف آن بزرگ‌تر باشد از اهمیت تشخیصی بهتری برخوردار است. با نگاهی به جدول ۲ و مقایسه آن با جدول ۳ معلوم می‌گردد که اطلاعات مربوط به ستون لامبدای ویلکز (Wilkes) دو جدول و نیز اطلاعات ستون درجه معنی‌داری جدول ۲ و ستون معنی‌داری تابع ممیز کاملاً یکسان‌اند. مطابق جدول ۳ توابع ممیز متغیرهای رابطه با پدر و رابطه با مادر با توجه به لامبدای ویلکز (Wilkes) کوچک‌تر از ۱ در سطح $p < 0/0001$ معنی دارند و این توابع تفکیکی از قدرت تشخیصی خوبی برخوردارند.

جدول ۴: خلاصه یافته‌های تابع ممیز متعارف به روش هم‌زمان (۳ متغیر پیش‌بین) و گام‌به‌گام (۳ متغیر پیش‌بین)

اطلاعات مربوط به تابع ممیز	روش هم‌زمان	گام‌به‌گام
تعداد تابع	۱	۱
مقدار ویژه	۰/۴۲	۰/۳۶
درصد واریانس	۱۰۰	۱۰۰
همبستگی متعارف	۰/۵۴	۰/۵۱
لامبدای ویلکز	۰/۷۰	۰/۷۳

مجذور کای	۷۸/۶۳	۷۰/۳۱
درجه آزادی	۵	۲
معنی داری تابع ممیز	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
پیش بینی عضویت گروهی	۰/۷۹/۴	۰/۷۳/۲

همان گونه که در جدول ۴ آمده است با توجه به مقدار لامبدای کوچک و مقدار مجذور کای بالا و سطح معنی داری $p < 0/0001$ ، تابع ممیز به دست آمده از قدرت تشخیصی خوبی برای تبیین واریانس متغیر وابسته یعنی عضویت گروهی (در دو سطح موفق و ناموفق) برخوردار است.

جدول ۵ جدول ضرایب استاندارد، غیراستاندارد و ضرایب ساختاری و ضرایب طبقه بندی تابع ممیز به روش همزمان و گام به گام

پیش بین ها		تابع به روش همزمان					تابع به روش گام به گام			کد	
متغیر		ضرایب		ضرایب طبقه بندی			ضرایب		ضرایب طبقه بندی		
		استاندارد	غیر استاندارد	ساختاری	گروه ناموفق	گروه موفق	استاندارد	غیر استاندارد	ساختاری	گروه ناموفق	گروه موفق
رابطه با پدر	X ₁	-۰/۲۷	-۰/۰۱	۰/۵۹	-۰/۰۱	۰/۰۰۳	-	-	-	-	-
رابطه با مادر	X ₂	۱/۰۲	۰/۰۵	۰/۸۸	۰/۳۱	۰/۲۳	۰/۸۸	۰/۰۵	۰/۲۹	۰/۲۳	۰/۲۳
وضعیت اقتصادی خانواده	X ₃	۰/۳۲	۰/۱۴	۰/۱۷	۱/۴۰	۱/۲۱	-	-	-	-	-

به طوری که در جدول ۵ مشخص است ضرایب استاندارد تابع ممیز، معادل ضرایب رگرسیون تفکیکی (بتا) در تحلیل رگرسیون هستند. ضرایب ساختاری تابع ممیز، ماتریس ضرایب همبستگی هر متغیر با تابع (نمره پیش بینی شده گروهی یا نمره ممیز) است. این همبستگی ها به عنوان همبستگی های متغیر متعارف یا بارهای ممیز نامیده می شوند. این بارها از نظر مفهومی مشابه بارهای عاملی در تحلیل عوامل هستند، بنابراین، در تفسیر تفاوت های گروهی به کار می روند. ضرایب ساختار کمک می کنند تا سهم متغیرها در تفاوت های گروهی مشخص گردد. با استفاده از ضرایب غیراستاندارد که در جدول ۵ آمده است، معادله تابع ممیز را می توان به دست آورد. بنابراین، با قرار دادن نمره هر فرد در متغیرهای مربوط در تابع، نمره فرد به دست می آید. با توجه به مرکز وارده داده های گروه موفق و ناموفق که در جدول ۴ آمد، چنانچه نمره ممیز به دست آمده مثبت باشد پیش بینی می شود که آن فرد موفق و اگر منفی باشد پیش بینی می شود که آن فرد به گروه ناموفق متعلق باشد. با توجه به ستون ضرایب غیراستاندارد و عدد ثابت تابع ممیز به روش همزمان معادله پیش بین زیر به دست آمد.

$$D = (X_1) 14/0 + (4X_2) 05/0 + (3X_3) 01/0 - (2X_1) (02/0) + (1X_2) 02/0 + 66/85$$

با توجه به ستون ضرایب غیراستاندارد و عدد ثابت تابع ممیز به روش گام به گام معادله پیش بین زیر به دست می آید.

$$D = (X_1) 05/0 + (2X_2) 02/0 + 65/8 - 4$$

به طوری که جدول ۵ نشان می دهد برای هر دو روش تحلیل همزمان و گام به گام ضرایب طبقه بندی تابع آمده است. لازم به یادآوری است که با توجه به ضرایب طبقه بندی تابع ممیز و مقادیر ثابت (هم به روش همزمان و هم به روش گام به گام) می توان دو معادله ممیز تشکیل داد و با قرار دادن نمره های هر فرد در دو معادله دو نمره ممیز به دست آورد. چنانچه نمره به دست آمده به مرکز واره داده های افراد موفق نزدیک تر باشد پیش بین می شود که به گروه موفق متعلق است و چنانچه نمره به دست آمده به مرکز واره داده های افراد ناموفق نزدیک باشد پیش بینی می شود که به افراد ناموفق متعلق. لازم به یادآوری است که تابع ممیز

ممکن است با متغیری که بیشترین ارتباط را با آن دارد نام‌گذاری شود. با توجه به اطلاعات مندرج در جدو ۵ تنها تابع ممیز بیشترین همبستگی را با متغیر استاندارد سرمایه‌گذاری ابرازی دارد. لذا، می‌توانیم تنها تابع ممیز را استاندارد سرمایه‌گذاری ابرازی نام‌گذاری کنیم. شایان ذکر است که در تحلیل‌های ممیزی که بیش از یک تابع وجود دارد برای هر تابع می‌توان متغیری را که بیشترین همبستگی را با آن دارد مشخص نمود و بر این اساس آن را نام‌گذاری کرد.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش رابطه ی والد- فرزندی و وضعیت اقتصادی خانواده به‌عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و عدم موفقیت در دانش‌آموزان پسر متقاضی ورود به مدارس نمونه دولتی مقطع متوسطه دوره دوم شهرستان مسجدسلیمان بود. یافته ها نشان می دهد رابطه والد-فرزندی که شامل رابطه با پدر و همچنین رابطه با مادر می‌باشد موفقیت و عدم موفقیت دانش‌آموزان پسر متقاضی ورود به مدارس نمونه دولتی را پیش‌بینی می‌کند بنابراین فرضیه ۳ و ۴ تأیید می‌شوند. نتایج این یافته‌ها با پژوهش‌های طاهری (Taheri, 2011)، روهنر و خالقی (Khaleque&Rohner, 2012) و لی (Lee, 2014) همخوان است. در کل کودکانی که از سوی والدین پذیرفته می‌شوند به‌احتمال زیاد در بزرگسالی با سازگاری‌های رفتاری (مستقل‌تر، اعتمادبه‌نفس بالاتر، پرخاشگری کمتر و خودکفایی مثبت‌تر) و کودکانی که از طرف والدین طرد می‌شوند به احتمال زیادتر در بزرگسالی با ناسازگاری‌های رفتاری (پرخاشگری، خودکشی، افسردگی و رفتارهای ضداجتماعی، ترک تحصیل و بزهکاری) همراه‌اند (Khaleque&Rohner, 2012) و (Lee, 2014).

تبیینی که برای این یافته می‌توان انجام داد این است که کیفیت رابطه‌ی فرزند با پدر و مادرش نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار و اخلاق او داشته و بر تصمیم‌گیری‌های فرزند بسیار مؤثر است. پذیرش فرزند توسط والدین و رفتار احترام‌آمیز و صمیمانه پدر و مادر می‌تواند کودک را متکی به نفس و مستقل و امیدوار به آینده ساخته و بالعکس طرد و رابطه‌ی سرد والدین با فرزندشان می‌تواند کودک را پرخاشگر، افسرده، بزهکار و ناامید سازد. پس رابطه والد-فرزندی در موفقیت دانش‌آموز تأثیرگذار است. یافته ها نشان می دهد در این پژوهش وضعیت اقتصادی خانواده موفقیت و عدم موفقیت دانش‌آموزان پسر متقاضی ورود به مدارس نمونه دولتی را پیش‌بینی نمی‌کند. مطابق تحقیقات کاتر و گوما (Cutter and Goma, 2006)، اینگوپلر (Engweiler, 2005)، کالواس (Caldas, 2000)، زکی (Zaki, 2005) و... وضعیت اقتصادی افراد پیش‌بینی کننده موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان می‌باشد و تحلیل‌گران اقتصادی معتقدند که طبقه اجتماعی اقتصادی تا اندازه‌ای وجاهت- منزلت و موقعیت اجتماعی- سطح آرزوها و نگرش‌های افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد اما در پژوهش حاضر وضعیت اقتصادی خانواده نتوانست موفقیت و عدم موفقیت دانش‌آموزان را پیش‌بینی نماید؛ که این عدم تطابق می‌تواند از عدم ارائه پاسخ‌های صحیح توسط دانش‌آموزان باشد.

نتیجه کلی اینکه رابطه ی والد- فرزندی مطابق پژوهش‌های گذشته موفقیت و عدم موفقیت دانش‌آموزان را پیش‌بینی کردند اما وضعیت اقتصادی خانواده در این پژوهش نتوانست پیش‌بینی کننده موفقیت و عدم موفقیت دانش‌آموزان در آزمون ورودی مدارس نمونه دولتی باشد.

منابع

- Allameh, Atefeh (2005). The study of simple and multiple relationships of self-esteem, social anxiety, perfectionism, procrastination with academic performance and test anxiety among high school students in Ahwaz. Master's Degree, Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz. (in Persian).
- Mace, C. E. (1989). Psychology Study. Translation by Amir Farahmandpur, Tehran: University Publishing Center. (in Persian).
- Caldas, S. J. (2000). Multilevel examination of student, school and district-level effects on academic achievement. *Journal of Educational Research*, 93, 91-101.
- Engweiler, L. A. (2005). The influence of Socioeconomic Status on academic achievement. Department of SocioLogy, College of Liberal Arts and Sciences.

- Khater, M. A., & Goma, Z. A. (2006). Academic underachievement in a Group of Egyptian school students. *Egyptian Journal of Psychiatry*, 25(1), 43-51.
- Lee, A. S. (2007). Young adults romantic relationships: a longitudinal study on the dynamics among parental divorce relationships with mother and Father, and children's committed romantic relationships. Unpublished. For the degree of doctor the university of Arizona.
- Rohner, R. P., & Khaleque, A. (2011). Testing central postulates of parental acceptance-rejection (PAR Theory): A meta-analysis of cross cultural studies. *Journal of Family Theory & Review*, 2, 73-87.
- Rohner, R. P., & Khaleque, A. (2008). Relations between perceived partner and parental acceptance. In J. K. Quinn & I. G. Zambini (Eds.), *Family relations: 21 century issues and challenges* (pp. 197-187). New York: Nova Science Publishers, Inc. Perceived Tea and Parental.